

# جایگاه حزب کمونیست کارگری

## در تحولات سیاسی

### ایران و جهان

مصاحبه با حمید تقوایی

۱۱ نوامبر ۲۰۲۱

این نوشته بر مبنای مصاحبه کانال جدید با حمید تقوایی به مناسبت سالگرد تشکیل حزب

تدوین شده است

مندرج در انترناسیونال ۹۴۷

**خلیل کیوان:** سی سال پیش/ در ۱۰ آذر سال ۱۳۷۰ شمسی (۳۰ نوامبر ۱۹۹۱)، حزب کمونیست کارگری ایران تشکیل شد. زمینه های تشکیل حزب چه بود؟ این حزب تاکنون چه تاثیری بر اوضاع سیاسی ایران داشته است؟ کنش و واکنش حزب بر اوضاع سیاسی ایران و بر جنبش های اعتراضی و اجتماعی و فعالین آن به چه صورت است؟ چشم انداز و نقش حزب بر روندهای سیاسی چیست؟ به مناسبت سی امین سالگرد تشکیل حزب این پرسش هایمان را با حمید تقوایی لیدر حزب در میان گذاریم.

حمید تقوایی، سی سال از تشکیل حزب میگذرد. اما سابقه فعالیت برخی از اعضای آن - از جمله خود شما - بیشتر است. زمینه های تشکیل حزب

چه بود؟ کدام ضروریات سیاسی، اجتماعی و تاریخی منجر به تشکیل حزب شد؟

**حمید تقوایی:** همانطور که اشاره کردید سابقه فعالیت بخشی از کادرهای حزب بیشتر از سی سال است. بسیاری از ما از انقلاب ۵۷، و حتی برخی از قبل از آن در زمان شاه، مبارزه مان را شروع کردیم. در زندگی همه ما انقلاب ۵۷ یک نقطه عطف بود. انقلاب ۵۷ تحول اساسی ای بود که سیاست ها، ایده ها و جهت گیریهایی که بالاخره منجر به تشکیل حزب کمونیست کارگری شد را پایه گذاشت. بحث ما در اینجا تحولات قبل از تشکیل حزب کمونیست کارگری نیست فقط خواستم اشاره کنم که حزب ما در نهایت از یک تحول مهم اجتماعی، از انقلاب ۵۷

نشأت میگیرد.

تا آنجا که به تشکیل حزب کمونیست کارگری برمیگردد تحولات جهانی نیز در تشکیل آن نقش اساسی ای داشت. حزب کمونیست کارگری در مقطعی تشکیل شد که دیوار برلین فرو ریخته بود و شوروی در حال اضمحلال بود. دولت ها، رسانه ها و حتی بسیاری از احزابی که قبلا خودشان را چپ می دانستند پایان کمونیسم را اعلام کرده بودند و شکست کمونیسم به نظریه مسلطی در افکار عمومی مردم دنیا تبدیل شده بود. نظریه پردازان طبقه سرمایه دار حتی اعلام کردند مبارزه طبقاتی به پایان رسیده است و سرمایه داری بازار آزاد قرار است دنیا را گلستان کند. گفتند نه تنها کمونیسم بلکه تمام ایده های برابری طلبانه،

آزادبخواهانه، و هر فریادی، اعتراضی علیه فقر و نابرابری هم دوره اش گذشته است و همین است که هست. آلترناتیو دیگری نیست. جائی برای آرمان خواهی و ایده آلهای انسانی نیست. سرمایه داری جهانی و رسانه ها و متفکرینش جشن و پایکوبی مشمئزکننده ای را بر خرابه های شوروی به راه انداختند.

در برابر این شرایط قهقرائی، دنیا باید جواب میداد. باید در برابر این وضعیت کمونیست روشن بینی مثل منصور حکمت می ایستاد. باید حزبی در دفاع از آرمان و ایده آلهای انسانی سر بلند میکرد. تشکیل حزب کمونیست کارگری قبل از هر چیز پاسخی به این ضرورت جهانی بود.

یک بازتاب و پیامد این شرایط در خاورمیانه جنگ خلیج بود؛ یعنی حمله به عراق در دوره بوش پدر که مقارن بود با مقطع فروپاشی شوروی. و این در حزب کمونیست ایران، که منصور حکمت و دیگر تشکیل دهندگان حزب کمونیست کارگری از اعضای رهبری آن بودند، زمینه ای شد برای فعال شدن گرایش ناسیونالیستی، نوعی منطقه گرایی و دموکراسی گرایی در حزب کمونیست ایران. این نوع گرایشات در آن مقطع در کل جنبش کمونیسم غیر کارگری دنیا تقویت شده بود و در حزب کمونیست ایران هم همین اتفاق افتاد.

کمونیسم کارگری قبل از هر چیز در قالب حزب کمونیست ایران و در چارچوب سیاست های

ایران و منطقه حساب خودش را از این نوع به اصطلاح دموکراسی طلبی های ناسیونالیستی و منطقه گرایی و دیدهای خردی که تحت تاثیر جو آن دوره از ایده های پایه ای کمونیستی دور شده بود، جدا کرد.

ولی همانطور که اشاره کردم اهمیت تشکیل حزب کمونیست کارگری نقد گرایشات درون حزب کمونیست و یا حتی صرفا شرایط سیاسی ایران و منطقه نبود بلکه جایگاه جهانی تشکیل حزب بود. اهمیتش در این بود که در سطح دنیا در برابر هیاهو و جنجال ضد کمونیستی ایستاد و از یک موضع تعرضی با آن مقابله کرد. اعلام کرد کمونیسم دیگری هست. آن کمونیسمی که شکست خورد ربطی به طبقه کارگر ندارد. اعلام

کرد کمونیسم کارگری نه تنها شکست نخورده بلکه با نقد رادیکال سرمایه داری بازار آزاد و کمونیسم فروپاشیده نوع روسی، پرچم حزب خود را برافراشته و به میدان آمده است.

حزب برنامه یک دنیای بهتر را اعلام و منتشر کرد و بر این مبنا سیاست ها و جهت گیریها و فعالیت‌های رادیکال و روشنی رادر دستور گذاشت.

حزب اعلام کرد نه تنها جنبش ضد سرمایه داری و کمونیسم واقعی نمرده است بلکه دور تازه ای از به چالش کشیدن سرمایه داری جهانی در دنیای پسا جنگ سرد آغاز خواهد شد. و همین طور هم شد. دیری نپائید که آن هیاهوی جشن پیروزی سرمایه داری بازار آزاد فروخواید. این جنجال حتی چند سال هم دوام نیاورد. به سرعت روشن شد که "نظم نوین جهانی" بجز



افسارگسیختگی ضدانسانی ترین نیروهای قومی و مذهبی و ناسیونالیستی و اتنیکی در چهارگوشه دنیا معنا و حاصلی ندارد. آتش جنگها و نا آرامی ها و اعتراضات دنیا را فرا گرفت. و این ضرورت بود که بنظرم در یک سطح پایه ای نه تنها توده مردم در ایران و منطقه بلکه در جهان را به سر بلند کردن حزبی مثل حزب کمونیست کارگری نیازمند میکرد.

**خلیل کیوان:** حزب در خارج کشور تشکیل شد. از نظر عملی هنوز در عرصه های زیادی فعال نبود. اشاره کردید که دهه نود با سقوط شوروی اتفاق افتاد و سرخوردگی ناشی از شکست انقلاب ۵۷ را داشتیم. در این فضا دامنه فعالیت احزاب چپ محدود بود. اما کم کم فعالیت های عملی حزب

گسترش یافت تا امروز که میبینیم حزب در ده ها عرصه و زمینه فعالیت دارد. سه دهه پس از آن دوران، موقعیت کمونیسم بطور کلی و بطور مشخص موقعیت حزب را چطور میبینید؟

**حمید تقوایی:** اول باید به این اشاره کنم که در آن دوره مورد نظر شما گرچه بخاطر شکست انقلاب ۵۷ جنبشهای اعتراضی فروکش کرده بود ولی در همان سطحی که در همان دوره اعتراضات و اعتصابات جریان داشت، حزب هم در رابطه با آنها و در دل آنها فعال بود. در یک سطح کلان مبارزات اجتماعی، بخصوص اعتصابات و مبارزات کارگری، مبارزات زنان، مبارزات علیه مذهب و سکولاریستی و بخش های مختلف جامعه، همه تقریبا از اوائل قرن حاضر از سال ۲۰۰۱-۲۰۰۲

شروع شد. از مقطع تشکیل حزب تا آن موقع آن فضا و آن جنب و جوش و تحرک اجتماعی و اعتراضی که ما در آغاز قرن بیست و یک شاهد بودیم نه در ایران و نه در بسیاری از کشورهای دیگر وجود نداشت. ولی در همان حدی هم که بود ما با اسم حزب کمونیست ایران، و سپس در دهه نود قرن گذشته، در قالب حزب کمونیست کارگری، فعال و دخالتگر بودیم. بعنوان نمونه در مراسم اول مه در جشن کارگران سنندج و دیگر شهرهای کردستان و یا در قبال اعتصاب کارگران نفت و یا اعتصاب رانندگان شرکت واحد و کلا در برخورد به اعتراضات توده ای در شرایط پس از ختم جنگ ایران و عراق ما برخورد فعال و دخالت گرانه ای داشتیم.

خوابیدن گرد و خاک و هیاهوی تبلیغات ضد کمونیستی و از سوی دیگر گسترش نارضائی‌ها و قطبی شدن جامعه ایران بعد از جنگ ایران و عراق علیه جمهوری اسلامی، باعث شد که در یک سطح بسیار وسیعی جنبش‌ها و اعتراضات سر بلند کنند. من بخاطر دارم اولین باری که حزب ما حرکت‌هایی در جامعه مشاهده کرد- که به نحوی متأثر از سیاست‌های خودش هم بود- اعتصابات کارگران نساجی سنندج بود و جشن آدم برفی‌ها در کردستان که هر دوی این‌ها در اواسط و اواخر سال ۲۰۰۲ اتفاق افتاد. این حرکات اعتراضی نقطه شروع گسترش اعتصابات کارگری، جلو آمدن چهره‌های جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی و اعتراضات گسترده دیگری بود که با شتاب زیادی رشد

کرد و هر روز وسیعتر شد. این اجازه داد حزب کمونیست کارگری، که این تبیین و انتظارات را از تحولات داشت، و پراتیک و دخالتگری گسترده در اعتراضات از ابتدا یک اصل و اساس مبارزاتی اش بود، در این شرایط بتواند بسیار فعالتر از گذشته در جنبشها و حرکات اعتراضی دخیل بشود و پراتیک به معنی اجتماعی و وسیعش بخش اعظم انرژی و فعالیت حزب را به خودش اختصاص بدهد.

بدنبال این حرکات اعتراضی، مبارزات زنان علیه حجاب و آپارتاید جنسی، جنبش دانشجویی، جنبش علیه اعدام، و بویژه جنبش کارگری با اعتصابات در یک سطح گسترده و بیسابقه به میدان آمد و در خارج کشور نیز جنبش علیه

تروریسم اسلامی به حرکت در آمد. در همه این زمینه ها حزب کمونیست کارگری بسیار فعال و تاثیر گذار بود.

با توجه به این تحولات و روندی که توضیح دادم فکر کنم پاسخ سئوال شما در مورد موقعیت امروز حزب هم روشن باشد. ما امروز در عرصه های زیادی در شکل دادن به فضای اعتراضی جامعه، در اعتصابات و مبارزات میدانی جاری و در کارزارهای گسترده و متعددی در داخل و خارج کشور دخیل و فعال هستیم. تا حدی که حتی مقامات رژیم اعتراف میکنند حزب کمونیست کارگری "حزب اعتراض" است. فعالیت های حزب صرفا عکس العملی به حرکات و جنبش های اعتراضی نیست بلکه خود در شکل دادن به

اعتراضات و جنبش‌های جاری در جامعه پر جنب و جوش امروز و تعمیق و گسترش این جنبش‌ها نقش مهمی داشته است.

**خلیل کیوان:** حزب کمونیست کارگری حزب طبقه کارگر است. آیا حزب بر مبارزات کارگران متمرکز است؟ سؤال دیگر این است که طبقه کارگر چه نیازی به حزب دارد؟ آیا تشکلهای توده‌ای کارگری کافی نیست؟

**حمید تقوایی:** این دو جنبه‌ای که سؤال کردید به هم مربوطند. دو روی یک سؤال است. در پاسخ به سؤال اول باید گفت مبارزات کارگری جای ویژه‌ای در حزب دارد ولی تمرکز بر این مبارزات علت و فلسفه وجودی حزب نیست.

خصلت نمای حزب کمونیست کارگری مبارزه علیه سرمایه داری است. می خواهد سرمایه داری و سیستم بردگی مزدی را برپاندازد. می خواهد از طبقه سرمایه دار، هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصادی، خلع ید کند و جامعه ای در خور شان انسان، جامعه ای نه بر مبنای سود اندوزی بلکه مبتنی بر رفع نیازهای همه مردم، سازمان بدهد. نیروی اصلی و تعیین کننده این حرکت طبقه کارگر است. و این رابطه ای است که حزب را به طبقه کارگر پیوند میدهد.

حزب در واقع ستاد مبارزاتی طبقه کارگر در کل جامعه علیه نظام سرمایه داری است و ازینرو اکثریت عظیم مردم را که آنها هم از ستمها و تبعیضات و مصائب ناشی از نظم سرمایه در رنجند



نمایندگی میکند. حزبِ ضد هر نوع تبعیض و نابرابری، حزبِ آزادیهای بی قید و شرط، حزبِ علیه سرکوب و هر نوع بی حقوقی فقط میتواند حزب طبقه کارگر باشد. و حزب ما دارای چنین خصوصیات است.

حزب آن افق، سیاست، و اهداف و آرمانهایی که جامعه را از شر سلطه سیاسی و اقتصادی سرمایه داری رها میسازد را نمایندگی میکند و به این معنی سازمان و ستاد طبقه کارگر در عرصه مبارزه سیاسی و در مبارزه برای خلع ید طبقه سرمایه دار از قدرت سیاسی است. به این معانی ما حزب طبقه کارگر هستیم و نه صرفاً بخاطر تمرکز به مبارزات کارگری.

وقتی از این زاویه به جنبش کارگری نگاه کنیم می بینیم که طبقه کارگر جایگاه تعیین کننده در تحولات سیاسی ایفا میکند. اهمیت تعیین کننده طبقه کارگر در تحولات تنه‌ها بخاطر مبارزات خودش و خواسته‌های صنفی خودش نیست بلکه بخاطر نقش تعیین کننده او در مبارزات همه بخش‌های مختلف جامعه است. مبارزاتی که حتی مستقل از وقوف فعالین و مردم درگیر در آن، عملاً و بطور واقعی علیه سرمایه داری است.

ستم بر زنان که در ایران بیداد میکند، تبعیض مذهبی که در ایران بیداد میکند، ستم علیه جوانان، علیه مردم منسوب به ملیت‌های دیگر و اقوام دیگر، ستم علیه فقرا، علیه محرومین علیه حاشیه نشینان و تمام مصائب و ستم‌ها و

تبعیضاتی که در جامعه میبینید، ریشه همه اینها نظام سرمایه داری و بردگی مزدی است. گرچه سرمایه داری اسلامی شده تمام این مصائب را تشدید کرده و بیشتر گسترده کرده ولی ریشه همه اینها در هر حال سرمایه داری است و به همین خاطر مبارزه طبقه کارگر برای رهایی جامعه مستقیماً مربوط میشود به مبارزه علیه تمام این تبعیضات و نه فقط تبعیضاتی که علیه خود کارگران بعنوان طبقه تولید کننده وجود دارد. از این نقطه نظر تشکلهای توده ای کارگری گرچه ابزار مهم طبقه کارگر در مبارزه با کارفرمایان و سرمایه داران بر سر خواستههای صنفی خود و بعنوان فروشندگان نیروی کار هستند، نمیتوانند جای حزب و تشکل حزبی طبقه کارگر را بگیرند. طبقه کارگر برای حضور و عرض اندام در عرصه

مبارزه بر سر قدرت سیاسی که مستلزم بلند کردن پرچم رهائی کل جامعه است، به حزب نیاز دارد.

به این معانی که گفتم مبارزات کارگری و جنبش کارگری نه تنها نقطه اتکا ما و پایه ما و خاستگاه ما و مبنای کار ماست بلکه نقطه اتکای هر جامعه‌ای هست که بخواهد آزاد و رها شود. همه محرومین و قربانیان تبعیض و نابرابری، به اصطلاح امروز ۹۹ درصدی‌های جامعه، تنها و تنها راه نجاتشان این هست که به حزب طبقه کارگر روی بیاورند. نه تنها طبقه کارگر برای در هم شکستن یوغ بردگی مزدی به حزب طبقاتی خود نیازمند است بلکه کل جامعه تشنه آزادی و رهائی از هر نوع تبعیض و بی حقوقی و نابرابری نیز نیازمند چنین حزبی

است.

**خلیل کیوان:** اینطور که میگویید مبارزه علیه تبعیضات در اشکال مختلف برای حزب مهم است و صرفاً به مسائل مربوط به طبقه کارگر نمی پردازد. رابطه حزب با جنبش های اعتراضی و اجتماعی در ایران به چه صورت است؟ حزب و این جنبش ها چه تاثیراتی بر یکدیگر میگذارند؟

**حمید تقوایی:** همانطور که اشاره کردم ما حزبی هستیم که علیه سرمایه داری مبارزه میکنیم. این ادعایی است که البته همه کمونیستها دارند. همه کمونیست ها خودشان را علیه سرمایه داری معرفی میکنند؛ با جنبش ضد سرمایه داری تداعی میشوند و نمایندگی میشوند. منتها یک تفاوتی

هست بین حزب کمونیست کارگری وقتی این پرچم را بلند میکند و کمونیسم های نوع دیگر، و یا از نظر ما کمونیسم های غیر کارگری. تفاوت اینجاست که از نظر ما برای اینکه بتوانیم سرمایه داری را بر بیندازیم راه واقعی و عملی این است که نماینده همه بخش های جامعه علیه تبعیضی باشیم که در حقشان روا میشود. جنبش های مختلفی داریم مثل جنبش رهائی زن، جنبش جوانان، جنبش علیه اعدام، جنبش بازنشستگان، جنبش ضد مذهبی، جنبش رنگین کمانی ها، جنبش طرفداران محیط زیست و غیره و غیره - که خوشبختانه در ایران لیست بلند بالایی از این جنبشها را می توان برشمرد. کمونیستها برای اینکه بتوانند عملا و واقعا جمهوری اسلامی را سرنگون کنند و سرمایه داری را بر بیاندازند

باید به نیروی فعاله و رهبری کننده هر یک از این جنبشها برای حل مساله مشخص خود آنها تبدیل شوند.

چپ غیر کارگری برعکس فکر میکند. معتقدست در مبارزه علیه سرمایه داری باید همه فعالین جنبشهای اعتراضی امر سوسیالیسم را دنبال کنند. این اتفاق نمی افتد. به همین خاطر هم چپ غیر کارگری همیشه حاشیه ای و بی ربط به تحولات زنده است. چپ غیر کارگری تصور میکند برای شکل گیری انقلاب سوسیالیستی جنبش زنان باید سوسیالیستی بشود، جنبش جوانان باید سوسیالیستی بشود، جنبش معلمان سوسیالیستی بشود و غیره. و معمولا هم اینطور تبلیغ میکنند که تا سوسیالیسم نیاید شما آزاد

نمیشوید. البته حقیقتی در این گفته هست ولی معنی آن این نیست که اکتیویستهای همه جنبشها باید سوسیالیست بشوند تا جامعه آزاد بشود. معادله برعکس هست. سوسیالیست ها باید پرچمدار امر بخشهای دیگر تحت ستم جامعه شوند. فعالینی که امرشان رهایی زن هست، لزوماً امرشان مبارزه با سرمایه داری نیست. اما اگر کمونیست ها به عنوان نیروی فعال در جنبش زنان و پرچمدار این جنبش برای حل تبعیض جنسیتی ظاهر بشوند آنوقت فعالین این جنبش، و توده زنان و مردمی که از ستم علیه زن رنج میکشند، نیز به کمونیست ها روی خواهند آورد. کمونیست کارگری معتقد است که ما میتوانیم و باید نقش تعیین کننده ای در جنبش زنان داشته باشیم برای حل مساله ستم جنسی،



حل مسئله تبعیض به زن. و نه تلاش برای تبدیل جنبش زنان به عقبه جنبش سوسیالیستی که به جایی نخواهد رسید. بی تردید بهتر است فعالین هر چه بیشتری سوسیالیست بشوند و ما سعی میکنیم همه کسانی که ضد تبعیض و برابری طلب هستند در هر جنبشی، به اهداف و سیاستهای سوسیالیستی مجهز شوند. ولی در یک مقیاس توده ای و اجتماعی انقلابی که ما میخواهیم، تحول زیر و رو کننده ای که ما میخواهیم ایجاد کنیم از این راه نمیگذرد؛ از پرچمداری و راه نشان دادن های کمونیستها در جنبشهای برحق و ضد تبعیض میگذرد.

به نظر من تا روز آخر انقلاب و قیام سوسیالیستی ممکن است حتی بخش زیادی از فعالین طبقه

کارگر خودشان را سوسیالیست ندانند و به احتمال زیاد اینطور خواهد بود. ولی بخش زیادی از فعالین و اکتیویست های جامعه، بخش زیادی از جامعه خواهان رهایی و آزادی میتوانند طرفدار کمونیستها باشند مشروط بر آنکه در مبارزه برای امر خودشان به کمونیستها اعتماد و اتکا کنند و تحقق امر خودشان را در قدرت گیری کمونیست ها ببینند.

این تفاوت دو متد و روش مختلف را در مقابل ما میگذارد. متد یک کمونیسم فعال و پراتیک در برابر یک کمونیسم پاسیو و حاشیه ای. روشی که ما دنبال میکنیم شرکت و فعال شدن در همه جنبشهای حق طلبانه و ضد تبعیض برای تحقق امر خود این جنبشها است. و از همین رو میدان

وسیعی برای پراتیک مبارزاتی در برابر ما قرار میدهد. روش دیگر با تقسیم جنبش‌ها و اکتیویست‌ها به سوسیالیستی و غیر سوسیالیستی از اتاق انتظار روی آوری فعالین به مکتب اعتقادی خود فراتر نمی رود و عملاً درها را بروی دخالتگری و حضور در مبارزات جاری می بندد.

متدی که ما داریم در عین حال در یک سطح پایه ای رابطه طبقه کارگر و رابطه جنبش کارگری با جنبش های دیگر را نیز نشان میدهد. به این معنی که جنبش کارگری باید پرچم آزادی مردم را بلند کند. خوشبختانه رهبران جنبش کارگری، نهادها و تشکل های جنبش کارگری، کارگران پیشرویی که دارند مبارزه میکنند کاملاً این واقعیت را دیده اند و همینطور عمل میکنند. در

اول ماه مه ها، در هشت مارس ها، در ۱۶ آذرها، در دفاع از زندانی سیاسی، علیه کرونا، علیه فساد، علیه فقر، علیه قوه قضائیه، علیه پرونده سازی های امنیتی و غیره و غیره، در تمام این عرصه ها چهره ها و نهادهای جنبش کارگری فعال هستند و ما موضع گیری ها و بیانیه ها و اطلاعیه های رادیکال کارگری را شاهد هستیم. این چهره های سرشناس کارگری هستند که پرچم علیه کرونا را از درون زندانها بلند کردند. یا پرچم علیه پرونده سازی های امنیتی را. و با اسم و رسم مقامات قوه قضائیه جمهوری اسلامی را به چالش طلبیدند.

به این معنی رابطه حزب ما با جنبش های اجتماعی در نهایت مبتنی بر و بازتاب و انعکاس یک رابطه طبقاتی است که بین جنبش کارگری

و جنبش های حق طلبانه دیگر در جامعه وجود دارد.

**خلیل کیوان:** پرسش آخر این است که چه چشم اندازی برای اوضاع سیاسی ایران و نقش حزب در آن میبینید؟

**حمید تقوایی:** اجازه بدهید ابتدا حزب را نادیده بگیریم و ببینیم تحولات سیاسی در جامعه به چه سمت می رود. بطور ابرکتیو تحولات و رخداد های بعد از ۹۸- من حالا به گذشته بیشتر برنمیگردم- بروشنی نشان میدهد جامعه به سوی یک انقلاب زیر و رو کننده به پیش میرود. حزب ما همیشه بر انقلاب و سرنگونی حکومت بقدرت انقلاب توده ای مردم تاکید کرده است،

پرچمش را در دست داشته و فضای سیاسی و اعتراضی را به این سمت سوق داده است. در مقابل بخش‌هایی از اپوزیسیون، که آنها هم تا چند سال قبل گفتمانشان در هر حال مطرح بود، طرفدار و مروج رژیم چنج، تغییرات از بالا، اتکا به آمریکا، جنگ، بحران آفرینی در مرزها، نافرمانی مدنی، قانون اساسی، رفراندوم و غیره و غیره بودند. این گفتمان‌ها را بویژه بعد از ۹۶ و ۹۸ دیگر شما نمی‌شنوید. خود جامعه، خود مبارزات، خود تحولات سیاسی جامعه ایران این گفتمان‌ها را حاشیه‌ای کرده و در عوض گفتمان انقلاب، سرنگونی، چالش صریح خامنه‌ای و مقامات حکومتی، مقابله با ارزش‌ها و تابوهای مذهبی که این روزها در کلیپ‌ها می‌بینید، چالش رئیس‌جمهور قاتل و کل بساط جمهوری

اسلامی، مسلط و همه گیر شده است. بخصوص بعد از ۹۸ گفتمان سرنگونی و محاکمه خامنه ای و سران حکومت به نحو صریح تر و علنی تر و با اسم و رسم از جانب فعالین و مادران دادخواه و چهره های جنبشهای اعتراضی مطرح میشود. میتوان گفت شعارهای سرنگونی طلبانه ای که در تظاهرات خیابانی در خیزش آبان مطرح شد امروز به گفتمان و ابراز موضع صریح روزمره فعالین و چهره های جنبشهای اعتراضی در سطح علنی و در مدیای اجتماعی تبدیل شده است. اینها همه نشاندهنده این است که جامعه آن روندی را طی کرده است که سی سال است - و اگر بخواهید به گذشته دورتر برگردید از انقلاب ۵۷ - حزب ما و جریانی سیاسی ای که امروز در حزب کمونیست کارگری نمایندگی میشود پرچمش را در دست

داشته است.

این به حدی است که حتی رهبران، آیکونها،  
چهره‌ها، فعالینی که با جنبش‌های دیگر شناخته  
میشوند مثل جنبش راست، سلطنت طلبی و  
جمهوری - سلطنت خواهان تلاش میکنند خود  
را با حرکت انقلاب جامعه و گفتمان چپ منطبق  
کنند. میگویند آلترناتیو ما هفت تپه است. هفت  
تپه‌ای که با اداره شورائی شناخته میشود. جایزه  
حقوق بشر را به رهبران و چهره‌های جنبش  
کارگری اعطا میکنند. به همراه فعالین سرشناس  
و چهره‌های رادیکال جنبش کارگری بیانیه‌های  
اعتراضی میدهند. حتی اعلام میکنند آینده  
ایران سوسیالیستی است و غیره و غیره. اینها  
چه چیزی را نشان میدهد؟ نشان میدهد انقلاب



و سرنگونی بقدرت انقلاب، یعنی خط و سیاست  
همیشگی ما کمونیست‌ها، در جامعه دست بالا  
پیدا کرده است.

نقش حزب را باید بر این متن بررسی کرد. به  
نظر من یک عامل فعال و موثر در شکل دادن به  
این جو، حزب کمونیست کارگری بوده است. به  
این دلیل ساده که زمانی که بخش اعظم نیروهای  
راست حتی اسم سرنگونی را نمی آوردند و  
حداکثر از براندازی و رژیم چنج، یا رفراندوم  
و قانون اساسی فراتر نمی رفتند، این حزب  
همواره بر ضرورت، اهمیت و مطلوبیت انقلاب، و  
سرنگونی کل حکومت جمهوری اسلامی بقدرت  
انقلاب و خیزش‌های توده‌ای تاکید میکرد و مهمتر  
از آن در پراتیک و عملکرد و فعالیت‌های میدانی

و کارزارهای متعددی این امر را به پیش میبرد. امروز خوشبختانه سرنگونی طلبی به یک جنبش گسترده و به یک گفتمان عمومی تبدیل شده است.

بنظر من وضعیت جامعه و موقعیت حزب و سیاست‌های آن تأثیرات متقابلی برهم داشته‌اند. از یکسو خیزش‌های توده‌ای ۹۶ و ۹۸ و جنبش‌های گسترده اعتراضی و سرنگونی طلبانه باعث شده که حزب ما فعال‌تر، قدرتمندتر، شناخته شده‌تر و محبوب‌تر شود و از سوی دیگر فعالیت‌های حزب باعث شده که جنبش کارگری و کلا جنبش‌های اعتراضی در ایران با پرچم‌های رادیکال‌تر و خواست‌های انسانی‌تر و در سطح وسیع‌تری به میدان بیایند. این تأثیرات متقابلی است که

حزب ما و جامعه دارد و در آینده هم بنظر من این روند تا آنجا پیش خواهد رفت که بتوانیم بقدرت یک جامعه پیا خاسته علیه جمهوری اسلامی این نظام را بزیر کشیم و یک جامعه آزاد، برابر و مرفه سوسیالیستی را در ایران پایه گذاری کنیم.

۱۱ نوامبر ۲۱

**وب سایت:**

**www.wpiran.org**

**تماس با حزب:**

پیامگیر تلگرام: **wpi\_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

**۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵**

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام